

تحلیل عوامل تأثیر گذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن

مهدی طغیانی *

مرتضی درخشان **

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با واکاوی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ایران با استفاده از تجربیات جهانی، راهکارهای علمی و عملی مقابله با تحریم‌های اقتصادی و اولویت‌بندی این راهکارها را ارائه کند. برای این منظور با استفاده از مبانی نظری، تحریم‌های اقتصادی شش عامل تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها، وجود درآمدهای نفتی، اتخاذ راهبرد توسعه‌ای جایگزینی واردات، رقابت جهانی، عدم همراهی کامل اقتصادهای نوظهور مستقل با تحریم، وجود بانکداری برون مرزی را به‌مثابه عوامل تقلیل‌دهنده تأثیر تحریم‌های اقتصادی شناسایی می‌کند. در مقابل هشت عامل چندجانبه شدن تحریم‌ها، بسته شدن بسیاری از مسیرهای دور زدن تحریم‌ها، محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، هدف قرار دادن فروش نفت، همزمانی تحریم‌های اقتصادی با آثار برخاسته از اجرای طرح تحول اقتصادی، وابستگی شدید تولید داخلی به فناوری، مواد خام و واسطه‌های خارجی، وابستگی نظام ارزی کشور به دلار و یورو، عدم مدیریت افکار عمومی را به‌مثابه عوامل تشدیدکننده تأثیر تحریم‌ها بر ایران می‌داند. در نهایت این پژوهش با بازکاوی عوامل یادشده و در نظر گرفتن آرمان‌های ایرانی-اسلامی به هشت راهکار عملی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی رهنمون می‌کند و مبتنی بر کاهش منافع و افزایش هزینه‌های تحریم‌کنندگان و افزایش منافع و کاهش هزینه‌های کشور تحریم‌شونده، به‌صورت علمی و عملی سیاست‌هایی را برای مقابله با تحریم‌ها پیشنهاد می‌کند. در آخر با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و دخیل کردن ضریب تأثیر هر یک از عوامل تقلیل‌دهنده و تشدیدکننده تأثیر تحریم‌های اقتصادی، راهکار راهکارهای پیشنهادی را اولویت‌بندی می‌کند.

واژگان کلیدی

اقتصاد تحریم، تحریم اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

Email: mtoghyani@gmail.com

* استادیار عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

Email: morteza.derakshan@yahoo.com

** دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ ارسال: ۹۳/۳/۱۶

فصلنامه راهبرد/سال بیست و سوم/شماره ۷۳/ زمستان ۱۳۹۳/ صص ۱۱۵-۱۴۶

جستارگشایی

اقتصاد مقاومتی به معنای پدید آمدن وضعیتی در اقتصاد است که در برابر موانع و مشکلات داخلی و خارجی پایداری می‌کند و به رشد و پیشرفت خود در جهت اهداف عالی‌اش ادامه می‌دهد^(۱). عناصر اصلی اقتصادی مقاومتی را می‌توان با نگاهی به اهداف آن، نوع موانع و نیز الگوی حرکت شناسایی کرد. تحریم اقتصادی از جمله موانعی است که می‌تواند یکی از ضعف‌ها و آسیب‌های مهم برای پیشرفت اقتصادی یک جامعه رشدیابنده باشد، ضمن اینکه قابلیت تبدیل شدن به یکی از قوت‌ها و موارد پیش‌برنده اقتصاد از طریق ایجاد فرصتی برای فعال شدن نیروها و ظرفیت‌های داخلی آن را نیز دارد.

در دوره معاصر بر تحریم اقتصادی به‌مثابه یک سیاست خارجی پراهمیت و «اسلحه‌ای مرگبار» برای جایگزینی جنگ‌های پرهزینه نظامی تأکید جدی تری شده است. در بحثی علمی پرسش‌هایی اساسی درباره این ابزار سیاستی قدرتمند طرح می‌شود مانند اینکه چه مسائلی یک کشور را بر آن می‌دارد که اقدام به اعمال تحریم اقتصادی یا تغییر سیاستی تحریمی کند؟ چه عوامل سیاسی و اقتصادی در موفقیت سیاست‌های تحریم در دستیابی به نتایج مورد نظر دخیل است؟ هزینه‌های تحریم اقتصادی برای کشور تحریم‌کننده و کشور هدف چیست؟ از چه روش‌هایی برای تحلیل تأثیر تحریم بر اقتصاد کشورها استفاده می‌شود؟ رهیافت‌های کاهش بیشتر اثر تحریم‌ها بر اقتصاد و راهکارهای برون‌رفت از شوک‌های اقتصادی امروز چیست؟ (Drury, 2005, p.2) و سؤالات دیگری که برای اظهار نظر علمی درباره راهکارهای مقابله با تحریم‌ها باید ابتدا به آنها پاسخی منطقی داد.

در سال‌های اخیر تحریم‌های اقتصادی یکی از مسائل مهم روز ایران بوده است. اما تعداد آثار منتشرشده علمی در این زمینه بسیار ناچیز بوده است. در مقابل کشورهای تحریم‌کننده مطالعات عمیقی را درباره تأثیرگذاری آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهای هدف انجام داده‌اند. بررسی تاریخی مقیاس، وسعت، تنوع و اهداف تحریم‌های اقتصادی و همچنین میزان تأثیرگذاری آنها و در نهایت دستیابی به اهداف اصلی کشورهای تحریم‌کننده، تحریم‌شوندگان را برای دستیابی به راهکارهای مقابله با تحریم مهیا می‌کند.

اهمیت موضوع در کشور ما در سالیان پس از انقلاب روشن است. در سال‌های پس از انقلاب تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آغاز شده و روز به روز شدت یافته است و ایران به طور رسمی با تحریم‌های تجاری و اقتصادی امریکا و متحدان اروپایی آن مواجه شد. در سال‌های اخیر به بهانه غنی‌سازی اورانیوم و ماجرای انرژی هسته‌ای، امریکا توانست متحدانی بین

کشورهای اروپایی برای تحریم‌های مالی و تجاری علیه ایران پیدا کند و شدت تحریم‌های گذشته را نیز افزایش دهد. همین امر سبب شد تا در داخل، مشکلات اقتصادی تشدید شود. جست‌وجو درباره راهکارهایی برای مقابله با آثار و تبعات اقتصادی تحریم‌ها موضوع نوشته حاضر است.

پیشینه پژوهش. کشورهای تحریم‌کننده در زمینه اقتصاد تحریم کتاب‌ها و مقالات زیادی تحریر کرده‌اند و از نظر خود به موضوع نگاه کرده‌اند و با الگوهای مختلف علاوه بر تحلیل تأثیر تحریم‌های مختلف بر کشورهای مختلف، راهکارهایی داده‌اند که موجب تأثیر بیشتر تحریم‌ها می‌شود. در مطالعات داخلی درباره تحریم‌های اقتصادی می‌توان به مطالعه عزیزنژاد و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد که آثار تحریم بر اقتصاد ایران را بررسی پرداخته‌اند. در این مقاله بیشتر بر تجارت خارجی و آثار تحریم‌ها بر آن تمرکز شده است. همچنین یاوری و محسنی به تحلیل آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران می‌پردازند و ضمن بررسی تاریخی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در نهایت بر این نتیجه تأکید می‌کند که به‌رغم کم‌تأثیری تحریم‌های نفتی علیه ایران به دلیل ماهیت جهانی بازارهای نفت، استفاده از روش مازاد مصرف‌کننده نشان می‌دهد تحریم‌های مالی و تجاری کاهش رشد ۱/۱ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را در پی داشته است. وصالی و ترابی (۱۳۸۹) نیز به بررسی آثار تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و نظام بانکی ایران می‌پردازند. ایشان عدم همکاری اتحادیه اروپا در گذشته را دلیل کم‌تأثیر بودن تحریم‌های قبلی و همکاری آنها را دلیل تأثیرگذاری تحریم‌های سال‌های اخیر معرفی می‌کنند. علاوه بر مطالعات پیشین که بیشتر جنبه تأثیر تحریم بر اقتصاد ایران یعنی کشور تحریم‌شونده را مدنظر داشت، مطالعه بهروزی‌فر (۱۳۸۳) بر آثار تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد خود و به عبارت دیگر هزینه اعمال تحریم به‌ویژه بر بخش‌های بازرگانی و انرژی آمریکا تأکید می‌کند.

در مطالعات خارجی می‌توان به مطالعه حسین علیخانی (۲۰۰۰) درباره تحریم‌های ایران اشاره کرد که پس از ذکر تاریخچه‌ای کلی درباره تحریم‌های اقتصادی، از زمان بروز مسئله تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۰۰، اهداف تحریم‌کنندگان را بیان و بدون جهت‌گیری خاصی فقط نوع و شکل تحریم‌ها را تحلیل می‌کند و در نهایت تأثیر تحریم‌ها بر ایران را اندک و آن را سیاستی شکست‌خورده می‌داند. همچنین الکساندر^۱ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بحث درباره سیاست‌ها و قوانین مربوط به تحریم می‌پردازد و ضمن بیان

1. Alexander Kern

تاریخچه‌ای نسبتاً کامل درباره تحریم‌های اعمال‌شده در دنیا و اهدافشان، آنها را به لحاظ سیاست و حقوق بین‌الملل و نیز تحریم شرکت‌های چندملیتی و دخالت نهادهای بین‌المللی تجزیه و تحلیل می‌کند. علاوه بر این کوپر^۲ (۲۰۰۵) چند سؤال را درباره تحریم طرح و در مطالعه‌ای تلاش می‌کند تا به آنها پاسخ دهد. اینکه تأثیرگذاری تحریم‌ها چگونه است؟ عقلانیت پشت تحریم‌ها چیست؟ چه زمانی تحریم‌ها اعمال می‌شود؟ تصمیماتی که برای تعدیل سیاست تحریم گرفته می‌شود، چیست؟ از چه نوع تحریم‌هایی بیشتر استفاده می‌شود؟ در نهایت می‌توان به آیلر^۳ (۲۰۰۷) اشاره کرد که روش‌های تحلیل تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کشورهای مختلف را بررسی می‌کند و نیز به مطالعات کراوفورد^۴ (۱۹۹۹)، هافباور و همکاران^۵ (۲۰۰۷)، کلرمن و همکاران^۶ (۲۰۰۸) در بررسی تاریخی، اهداف و وسعت بین‌المللی تحریم‌های اقتصادی اشاره کرد که برای بررسی عمیق مسئله تحریم‌های اقتصادی راهگشا خواهند بود.

چارچوب نظری موضوع. تحریم جزیی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی

است که کشورهای تحریم‌کننده از آن به منزله ابزاری غیرنظامی برای مجبور کردن دولت‌های کشورهای هدف برای انجام دادن واکنش موردنظرشان استفاده می‌کنند. منظور از تحریم اقتصادی کاهش یا متوقف کردن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده است. در واقع تحریم سلاحي اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت‌وگو فراتر می‌برد و وارد حوزه عمل می‌کند (Eyler, 2007, p.4). نهاد تحریم‌کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور از قبیل امریکا یا سازمانی بین‌المللی از قبیل سازمان ملل باشد. کشور هدف نیز کشوری است که مستقیماً سیاست‌های تحریم بر آن اعمال شده است. منظور از اهداف سیاست خارجی تغییر در رفتارهای سیاسی کشور هدف است که تحریم‌کننده صریح یا ضمنی آن را دنبال می‌کند (Hufbauer and et al., 2007, p.3&44).

همان‌طور که در تعریف مشخص است تحریم بر دو نوع عمده است: اول تحریم‌های تجاری و دوم تحریم‌ها مالی. تحریم‌های تجاری بر صادرات و واردات کالاها یا کالای خاص کشور هدف اعمال می‌شود؛ اما تحریم‌های مالی بیشتر بر گردش مالی کشور مذکور تمرکز

2. Drury, A. Cooper (2005)

3. Eyler, Robert (2007)

4. Crawford, Neta C and KlotzHow, Barbara

5. Hufbauer, Gary Clyde, Schott, Jeffrey J., Elliott, Kimberly Ann, Oegg

6. Klerman, Jacob Alex, Burstain, Jane McClure.

می‌کند. تحریم بانک‌ها یا بانک مرکزی از نوع تحریم‌های مالی است. با این حال اغلب تحریم‌ها ترکیبی از تحریم‌های تجاری و مالی است. کشورهای تحریم‌کننده معمولاً اقبال بیشتری به تحریم مالی دارند؛ زیرا، ۱. تحریم‌های مالی از تحریم‌های تجاری راحت‌تر اعمال می‌شود؛ چراکه دولت‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی ارائه‌کنندگان یا تضمین‌کنندگان اصلی گردش‌های مالی هستند و نیز بازارهای مالی خصوصی نیز از بازارهای کالایی مقررات‌پذیرتر هستند؛ ضمن اینکه تمرکز فعالیت‌های مالی در دست بازیگران محدودی است و این نیز سهولت نسبی در نظارت و تنبیه خاطیان را در این بازارها در پی دارد. ۲. بازارهای مالی به دلیل خطرپذیرتر بودن گردانندگان و فعالان آنها از قبیل بانکداران، سفته‌بازان و سرمایه‌گذاران (که از آنها به «اجراکنندگان خصوصی» تحریم تعبیر می‌شود) برخلاف بازارهای تجاری به تسریع و تشدید نتایج تحریم منجر می‌شوند. ۳. در اقتصادهای بازاری مدرن، تجارت و دیگر فعالیت‌های اقتصادی شدیداً به دسترسی به منابع مالی وابسته است. وضع محدودیت‌های شدید مالی به اختلال در مبادلات و تعاملات تجاری منجر می‌شود، بدون آنکه کشور تحریم‌کننده بخواهد زحمت‌های مرتبط با تحریم تجاری از قبیل ممانعت از قاچاق و غیره را تحمل کند. دلایل یادشده سبب می‌شود که تحریم‌های مالی از تحریم‌های تجاری اثربخش‌تر باشد، آسان‌تر اعمال شود و فرار از آنها دشوارتر باشد و در نهایت آثار تشدیدکننده جدی‌تری را برانگیزد (Hufbauer and et al., 2007, p. 44-47) از نظر دیگر نیز می‌توان تحریم‌ها را به دو نوع سخت و نرم تقسیم‌بندی کرد. تحریم‌های سخت بیشتر به شکل تحریم‌های نظامی یا محاصره اقتصادی کشور هدف خود را نشان می‌دهد، اما تحریم‌های مالی و تجاری اشکالی از تحریم‌های نرم است. در این زمینه نیز با توجه به هزینه‌های بیشتر و دشواری در عمل، معمولاً تحریم‌های نرم بر تحریم‌های سخت ترجیح داده می‌شود.

۱. تاریخچه تحریم‌های اقتصادی

در گذشته از تحریم‌های اقتصادی برای اهداف مختلفی استفاده می‌شد، اما غالباً از آن در زمان جنگ به مثابه ابزار فرعی نظامی استفاده می‌شد. در واقع یونان تحریم‌های اقتصادی را ۴۳۲ قبل از میلاد اعمال کرد، زمانی که آتنی‌ها (اهالی پایتخت یونان) از واردات کالا از شبه جزیره جنوبی یونان منع شدند. در جنگ‌های مذهبی و تحولات اروپا، دولت‌ها از ممنوعیت‌های تجاری و تحریم‌های اقتصادی دیگر برای مجبور کردن گروه‌ها به حمایت از اقلیت‌های خاص مسیحی استفاده می‌کردند. در اواخر قرن نوزدهم، تحریم‌های اقتصادی غالباً در زمان‌های جنگ استفاده می‌شد و به این شکل بود که صادرات و عرضه کالاهای راهبردی کنترل می‌شد و عرضه این

کالاها به کشورهای خاصی منع می‌شد (Medlicott, 1952, p.9). استفاده از تحریم‌های اقتصادی در زمان‌هایی غیر از جنگ تا سال ۱۹۲۰ معمول نبود، اما پس از آن و بعد از جنگ جهانی اول به دنبال تصویب معاهده کشورهای متفق (متفقین)، تحریم‌های اقتصادی علیه کشورهای پیش‌بینی شد که تجاوز نظامی به دیگر دولت‌ها را آغاز می‌کردند. اگر چه این پیمان در سال‌های ابتدایی دهه ۱۹۲۰ در تهدید به تحریم‌های اقتصادی برای حل مشکلات و مشاجرات درباره مرزهای بین‌المللی کشورها کارا بود، در مقابل تجاوز دولت‌های بزرگ و قدرتمند موفق عمل کرد. این گونه تحریم‌ها در سال ۱۹۳۵ علیه کشور ایتالیا، برای تجاوز به کشور ایتوبی در مقیاس محدود و فقط برای تسلیحات نظامی و مبادلات خاص تجاری اجرا شد و شامل فروش نفت و مبادلات بین‌المللی دیگر نمی‌شد. همچنین پیمان تهدیدآمیزی که در سال ۱۹۳۱ علیه ژاپن برای تجاوز به استان منچوری رسمیت یافت را می‌توان از این دست تحریم‌ها قلمداد کرد. اهداف اعلام‌شده این تحریم‌ها را می‌توان تلاش برای ایجاد صلح جهانی و کاهش تجاوزات بین‌المللی معرفی کرد. در نتیجه به محض اینکه کشورها اقدامات نظامی و تجاوزگرایانه کشوری را می‌دیدند، آن را در تحریم‌های اقتصادی قرار می‌دادند تا بتوانند از این اقدامات بکاهند (Alikhani, 2000, p.45). در جنگ‌های جهانی اول و دوم بریتانیای کبیر و ایالات متحده از کنترل‌های شدید صادراتی پیروی می‌کردند و ممنوعیت انتقال دارایی‌ها علیه قدرت‌های محور صورت گرفت (Malloy, 2001, pp.33-38; Domke, 1943, pp.120-127). بسیاری از این کنترل‌های اقتصادی تجربه‌ای شد تا ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نظام محدودیت‌های جامع اقتصادی و مالی را علیه کشورهای کمونیست و کشورهای مرتبط با آنان و همچنین علیه به اصطلاح تروریسم بین‌المللی طراحی کند (Malloy, 2001, pp.39-46; Fitzgerald, 1999, pp.88-89).

بررسی اجمالی تاریخ تحریم‌های اقتصادی در جهان نشان‌دهنده آن است که دولت آمریکا همواره بزرگ‌ترین سهم را در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی داشته و در مجموع، دوسوم تحریم‌های اقتصادی جهان را اعمال کرده است. در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰، یعنی حدود نزدیک به ۷۵ سال، در مجموع ۱۱۵ تحریم اقتصادی علیه کشورهای مختلف تصویب و به اجرا گذاشته شد که به طور متوسط برابر است با ۱/۵ تحریم در هر سال. از کل ۱۱۵ تحریم‌های اقتصادی جهان طی دوره ۱۹۱۴-۱۹۹۰، ۷۷ مورد یعنی ۶۷ درصد کل تحریم‌ها را ایالات متحده آمریکا اعمال کرده است (Doxey, 1980, p.42).

اما از سال ۱۹۹۰، به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، سهم امریکا در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی و تعداد تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۹۹ سهم امریکا در کل تحریم‌های اقتصادی جهان به ۹۲ درصد افزایش یافته است؛ به طوری که فقط در دوره اول ریاست جمهوری کلینتون دولت امریکا ۶۱ تحریم اقتصادی را علیه ۳۵ کشور جهان با جمعیتی بالغ بر ۲/۳ میلیارد نفر، یعنی ۴۲ درصد کل جمعیت جهان و ۷۹۰ میلیارد دلار صادرات، یعنی ۱۹ درصد صادرات جهان، به اجرا گذاشت (Alexander, 2009, pp.8-16).

اهداف ظاهری این تحریم‌ها عبارت بود از: جلوگیری از نقض حقوق بشر: ۲۲ مورد، مبارزه با تروریسم بین‌المللی: ۱۴ مورد، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای: ۹ مورد، حمایت از حقوق کارگران: ۶ مورد، حفظ محیط زیست: ۳ مورد و جلوگیری از گسترش مناقشات و جنگ‌های داخلی: ۷ مورد. نکته مهم این است امریکا تلاش کرده است تا در بیشتر تحریم‌های خود از دهه ۱۹۹۰ به بعد نهادهای بین‌المللی یا برخی کشورهای اروپایی را با خود همراه کند و تا علاوه بر افزایش تأثیر تحریم‌ها، واکنش‌های بین‌المللی را علیه خود کاهش دهد (Hufbauer and et.al., 2007, p.20-41).

۲. تحریم اقتصادی ایران

تحریم ایران توسط غرب در تاریخ معاصر ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی قدمتی طولانی دارد. اولین تجربه غرب در ارتباط با تحریم ایران به دوران حکومت مصدق و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت برمی‌گردد که در این دوره امریکا و انگلستان درصدد برآمدند با استفاده از ابزار تحریم و فشار اقتصادی بر دولت منتخب ایران، نهضت ملی شدن صنعت نفت را مهار کنند. راهکار دولت مصدق در مقابله با این تحریم‌ها توسعه بازارهای خارجی و فروش نفت به قیمتی کمتر از بازارهای جهانی و تلاش برای تأمین مالی کسری دولت از طریق استقراض داخلی بود؛ با این حال ایجاد اختلاف میان وی و نهاد روحانیت و در نهایت سوء استفاده عوامل وابسته سبب شد کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق روی دهد.

در هر حال تجربه اصلی تحریم‌های اقتصادی غرب و به‌ویژه امریکا علیه ایران به سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن جنگ تحمیلی برمی‌گردد. تحریم صنعت نفت در این مقطع از طریق فراخواندن کارشناسان خارجی و عدم تأمین قطعات زیرساخت این صنعت و نیز تخلیه کلیه اطلاعات کشف منابع جدید نفتی آغاز شد؛ به گونه‌ای که صادرات روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت قبل از انقلاب به یکباره به زیر ۱ میلیون بشکه نفت رسید. این اتفاق

۱۲۲ تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن

ناگهانی باعث شد عرضه نفت کاهش و متعاقباً قیمت نفت از ۱۲ دلار به مرز ۳۴ دلار افزایش یابد که البته در این میان ایران توانست با فروش نفت به قیمت بالاتر تا حدودی درآمد سابق خود را بازیابد اما هزینه‌های سنگین جنگ همچنان نظام را می‌آزرد. حرکت جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌های جنگ نیز سبب شد تا آمریکا و متحدانش برای تسلیم کردن ایران به بهانه‌های مختلف دست به تحریم‌های بیشتری بزنند (Alikhani, 2000, p.71).

در مجموع تحریم‌های آمریکا (که بسیاری از آنها به همراه کشورهای دیگری صورت گرفت) علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شش دوره اصلی تقسیم‌بندی کرد که هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارند و در جدول زیر مشاهده می‌شوند:

نگاره شماره (۱) - تحریم‌های آمریکا علیه ایران

دوره	تاریخ	بهانه	مفاد تحریم‌ها
دوره ابتدای انقلاب	۱۹۷۹-۱۹۸۱	مسئله تسخیر سفارت آمریکا	لغو قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی (امضاشده قبل از انقلاب)، ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی به ایران، مسدود کردن ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های دولت ایران در آمریکا، ممنوعیت کلیه مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا
دوره جنگ ایران و عراق	۱۹۸۱-۱۹۸۸	حمایت از تروریسم	منع صادرات و فروش کلیه تجهیزات نظامی به ایران، کنترل صادرات کالاهای دارای مصارف دوگانه نظامی و غیرنظامی، قطع کلیه وام‌ها و کمک‌های مالی نهادهای بین‌المللی نظیر بانک جهانی به ایران (از ۱۹۸۶)، ممنوعیت ورود کلیه کالاهای فرآورده‌های آمریکایی به ایران (از ۱۹۸۷)
دوره بازسازی	۱۹۸۹-۱۹۹۲		تصویب قانون «منع گسترش تجهیزات نظامی ایران و عراق» در سال ۱۹۹۲
دوره کلینتون (سیاست مهار دوجانبه)	۱۹۹۳-۲۰۰۱	حمایت از تروریسم و مخالفت با روند صلح خاورمیانه	منع مشارکت شرکت‌های آمریکایی در توسعه صنعت نفت ایران، منع کلیه مبادلات اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری با ایران (از ۱۹۹۵)، تصویب قانون «تحریم ایران و لیبی» در تحریم و مجازات کلیه شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذاری کننده بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنعت نفت ایران (از ۱۹۹۶)
پس از واقعه ۱۱ سپتامبر	۲۰۰۲-۲۰۰۳	قرار دادن ایران در محور شرارت	تشدید اجرای تحریم‌های سابق و به‌ویژه شرکت‌های طرف قرارداد با ایران
پس از قطعنامه‌های شورای امنیت در	۲۰۰۳- تاکنون	تلاش برای تولید سلاح	تحریم‌های سازمان ملل: چهار دوره تحریم شورای امنیت در سال‌های

۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰.	هسته‌ای	بحث هسته‌ای
تحریم‌های امریکا: اخراج حداقل ۱۰ فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف در سال ۲۰۰۶، تحریم توسط شرکت‌های مایکروسافت و یاهو در ۲۰۰۷، تحریم‌های مالی توسط وزارت خزانه‌داری امریکا اکتبر ۲۰۰۷، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ تحریم‌های یک‌جانبه کنگره امریکا، ژوئن ۲۰۱۰ قانون تحمیل مجازات به شرکت‌های صادرکننده محصولات نفتی به ایران، ۱۱ ژوئن تحریم‌های جدید علیه سپاه پاسداران، نیروی مقاومت بسیج، نیروی نظامی ایران و فرمانده آن، ۱۳ ژانویه ۲۰۱۲ تحریم تاجر چینی برای متوقف کردن تجارت نفتی با ایران و ...		
تحریم‌های اتحادیه اروپا: ۱۲ اوت ۲۰۱۰ ممنوعیت سرمایه‌گذاری مشترک با حضور در ایران، ماه مه ۲۰۱۱، تحریم ۱۰۰ شخص جدید از ایران، دسامبر ۲۰۱۱ تحریم ۱۸۰ شخص جدید، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ ممنوعیت عقد هر گونه قراردادهای جدید واردات، خرید یا حمل و نقل نفت خام ایران و فرآورده‌های نفتی.		

(Hufbauer and et al., 2007, p. 20-41)^(۳)

تنوع و تعداد بی‌سابقه تحریم‌های پس از انقلاب علیه جمهوری اسلامی نشان می‌دهد دول سلطه‌گر ماهیت این انقلاب را به هیچ روی نپذیرفته‌اند و آن را تهدیدی بالفعل برای خود می‌دانند و بنابراین همواره مهار نظام اسلامی و ایجاد مانع در مسیر رشد آن از اولویت‌های استکبار جهانی بوده و همچنان ادامه دارد.

تحریم اقتصادی ایران در سال‌های اخیر از هر نظر بی‌سابقه است. این تحریم‌ها در کنار ساختار نامناسب اقتصادی وابسته به نفت و درآمدهای نفتی سبب شده است تا کشورهای متخاصم دقیقاً همین جریان اقتصادی را هدف بگیرند و اقتصاد ایران بیش از پیش دچار مشکل شود. در هر حال بررسی عوامل تقلیل‌دهنده و تشدیدکننده آثار تحریم بر اقتصاد کشور می‌تواند به سیاست‌گذاران در اصلاح ساختارهای اقتصاد یاری رساند.

۳. عوامل تقلیل‌دهنده آثار تحریم‌ها بر ایران

دلایل کم‌اثر بودن تحریم‌های اقتصادی به‌رغم تعدد و تنوع آنها بر اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب عبارت است از: تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها؛ وجود درآمدهای نفتی به همراه افزایش قیمت جهانی نفت؛ اتخاذ راهبرد توسعه‌ای جایگزینی واردات؛ رقابت جهانی؛ عدم همراهی کامل اقتصادهای نوظهور مستقل با تحریم؛ بانکداری برون‌مرزی.^(۳)

۳-۱. تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها

از میان موارد پیشین مهم‌ترین آنها را می‌توان تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها و سازگاری اقتصاد ایران با تحریم‌ها دانست؛ چراکه بسیاری از مطالعات، تأثیر تحریم‌های اقتصادی را کوتاه‌مدت ارزیابی می‌کنند و در بلندمدت ساختار کشورها به تحریم مربوط واکسینه می‌شود و تداوم و تشدید آن چندان تأثیری نخواهد داشت. بنابراین باید نوع جدیدی از تحریم‌ها اعمال شود که ساختار کشور هدف در خصوص آن مقاوم نشده باشد.

وضع تدریجی و در طی زمان تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی سبب شده است که متناسب با آنها تدابیری برای مقابله نیز طراحی شود از جمله اینکه روابط با کشورهای متخاصم به حداقل ممکن تقلیل یافته است. علاوه بر این راه‌های دور زدن تحریم‌ها با تعبیه یا ارتباط با ایرانیان مقیم خارج یا دگرانی که رابطه‌ای پایدار و ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی دارند، سبب شده است که تحریم‌های جدید صرفاً هزینه مبادلاتی بیشتری را بر کشور تحمیل کند. اگرچه برخی نابسامانی‌های مقطعی در بازار ارز و برخی کالاهای عمدتاً وارداتی یا وابسته به واردات همواره وجود داشته است.

شایان ذکر است که آنچه در مطالعات مربوط به تحریم بر آن تأکید می‌شود، اثربخشی آنها در کوتاه‌مدت و کمی تأثیر آنها در بلندمدت به دلیل انطباق ساختاری اقتصادهای هدف با تحریم‌هاست. به عبارت دیگر تحریم‌های اقتصادی بیشتر به‌منزله مکمل سیاست‌های دیگر برای به زانو درآوردن کشور هدف در کوتاه‌مدت طراحی می‌شود. چرا که در بلندمدت حفظ انسجام تحریم‌های چندجانبه دشوار است و تحریم‌های یک‌جانبه نیز در وضعیت اقتصاد جهانی شده امروز راه به جایی نخواهد برد (Hufbauer and et. al., 2007).

۳-۲. وجود درآمدهای نفتی

وجود درآمدهای نفتی برای جمهوری اسلامی همواره سبب شده است تا بتواند بر هزینه‌های مبادلاتی بیشتری فائق آید که تحریم‌های اقتصادی بر کشور وارد می‌کند. در ضمن می‌توان

خلاءهای فراوانی را که در اقتصاد کشور به دلیل فشار تحریم‌ها وارد می‌شود با مخارج دولتی تأمین‌شده از این درآمدها پوشش داد.

علاوه بر این افزایش قیمت نفت در برخی مقاطع زمانی جبران‌کننده کاهش تولید و صادرات نفت ایران بوده است؛ زیرا با هر بار تحریم و در نتیجه کاهش صادرات نفت کشور، به دلیل اینکه ایران سهم بالایی در عرضه نفت جهانی را به خود اختصاص می‌داد، قیمت نفت به‌طور ناگهانی افزایش می‌یافت و افزایش قیمت نفت درآمد از دست‌رفته از طریق کاهش صادرات را جبران می‌کرد (Fayazmanesh, 2008, p. 6).

۳-۳. اتخاذ راهبرد جایگزینی واردات

برای طراحی برنامه‌های توسعه میان‌مدت (۵ ساله از بعد از انقلاب) لازم بود یکی از راهبردهای توسعه‌ای پیگیری شود. راهبرد توسعه اقتصادی کشور در دهه آغازین پس از انقلاب اسلامی و برخی سال‌های پس از آن، به‌رغم اوضاع نشئت‌گرفته از جنگ تحمیلی، راهبرد توسعه مبتنی بر جایگزینی واردات بود^(۴). در این استراتژی تولید داخلی، سلائق مصرفی داخلی، کشتش درآمد داخلی، سطح تقاضای داخلی، صنایع داخلی کشور و... در کانون توجه قرار دارند و هدف آن است که به گونه‌ای جهت‌دهی شوند که استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی و دفع تهدیدات خارجی حاصل شود. به همین دلیل عمدتاً به بهره‌برداری از امکانات و منابع داخلی کشور برای رسیدن به درجاتی از خودکفایی یا خوداتکایی ناظر است و در خصوص این راهبرد، صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات دنبال می‌شود و نیز تولید کالاهای پایه‌ای همچون فولاد، گندم، سیمان و... تا تحقق استقلال کامل اقتصادی دنبال می‌شود. از الزامات این راهبرد ایجاد صنایع نوزاد و اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه از آنها تا زمانی است که به مرحله بلوغ (قابلیت رقابت در صحنه بین‌المللی) برسند. ابزارهای حمایتی در این سیاست یا معطوف به کالاهای رقیب است؛ مانند محدودیت واردات، تعرفه و غیره یا به افزایش مزیت کالای داخلی توجه می‌کند مانند انرژی ارزان، وام‌های کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی و غیره (حیدری مطلق، ۱۳۹۰، ص ۶۸). هرچند این راهبرد که ابتدا کشورهای امریکای لاتین (در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۵۰) به کار گرفتند، به دلیل حمایت زیاد از صنایع و در نتیجه ناکارآمد شدن صنایع داخلی و افزایش قیمت تولید برای مصرف‌کنندگان داخلی و برخی مخاطرات نشئت‌گرفته از ضعف و فساد سازوکار حمایتی و ایجاد انحصارات و... با توفیق زیادی در توسعه صنعتی کشور همراه نبود، اما توانست اقتصاد ملی را در مقابل تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری به جایگاهی برساند که به‌رغم

هزینه بالاتر قادر به ایستادگی در مقابل زورگویی بیگانگان و حفظ استقلال کشور باشد (اکبری، ۱۳۸۷).

۳-۴. رقابت جهانی

مشخصه روابط جهانی شده اقتصادی و تجاری امروزه را می‌توان با وصف رقابت شدید توصیف کرد. در حال حاضر به دست آوردن سهم بازار در جهان مسئله اصلی بسیاری از شرکت‌های بزرگ است. زمانی که کشوری رابطه اقتصادی و تجاری خود را با کشور دیگر محدود می‌کند، شرکت‌ها و تولیدکنندگان رقیب در کشورهای دیگر فرصت را غنیمت می‌شمرند و با پیشنهادی جایگزین متقاضی ورود به بازار مذکور البته با قیمتی قدری بالاتر از قبل می‌شوند. بنابراین تا زمانی که تحریم اقتصادی بین‌المللی نباشد، تأثیر کمتری بر کشور هدف بجا خواهد گذاشت.

علاوه بر این باید توجه کرد که شرکت‌های بزرگ برای استفاده از مزایای اقتصادی مختلف از جمله صرفه به مقیاس^۷ و گستره^۸ و نیز بهره‌مندی از مزایای تقسیم کار جهانی به صورت چندملیتی درآمده‌اند؛ تمایل به حفظ سهم بازار برای این شرکت‌ها سبب شده است که در زمان تحریم، خود آنها راه‌هایی برای حفظ جایگاهشان در کشور هدف بیابند. برای مثال چنانچه شرکت تولیدکننده دارای سه مالک و سهامدار اصلی در امریکا، ژاپن و آلمان باشد، در صورتی که امریکا فروش کالا را مسمول تحریم کند، تحریم شونده درصدد برمی‌آید تا بر اساس قانون دیگران و از طریق نمایندگی‌های خود روابط تجاری‌اش را حفظ کند. البته در شرایط چندجانبه بودن و بین‌المللی بودن تحریم‌ها این امکان وجود نخواهد داشت زیرا همه مالکان به طور همزمان تحریم خواهند کرد. البته این‌گونه تحریم‌ها معمولاً کوتاه‌مدت بوده، زیرا در بلندمدت حفظ انسجام تحریم‌کنندگان به صورت همزمان دشوار است و با هزینه‌های زیادی برای آنها همراه خواهد بود (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۳۹).

شایان ذکر است که در وضعیت رقابت شدید جهانی، رفع نیازمندی‌های تجاری و فناوری لزوماً به طرق رسمی منحصر نیست و بسیاری از مسیرهای غیررسمی اگرچه با خطر و هزینه بالاتر ولی قادر است جزئی‌ترین نیازهای متقاضیان را برآورده کند. تجربه ایران در خرید فنی‌ترین قطعات مورد نیاز برای هواپیماها و تجهیزات نظامی ... در کل سال‌های پس از انقلاب اسلامی مؤید این موضوع است.

7. Economy of scale

8. Economy of scope

۳-۵. عدم همراهی کامل اقتصادهای نوظهور مستقل با تحریم

تحریم‌های علیه ایران از ابتدای انقلاب اسلامی همواره با مخالفت کشورهای مستقل جهان مواجه بوده است. در دهه‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، همواره کشورها و شرکت‌های اروپایی به تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به بهانه حمایت از تروریسم بی‌توجهی کرده‌اند و همین امر سبب شده است تا در مبادلات تجاری بتوان آنها را رقیب و جایگزین ایالات متحده و همپیمانانش دانست. این موضوع سبب شد تا آمریکا درصدد باشد تا کشورهای دیگری را در بهانه جدید تحریم‌ها یعنی برنامه هسته‌ای با خود همراه کند. در تحریم‌های پس از صدور قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌هایی علیه ایران وضع و اجرا کرد. اما این بار وجود قدرت‌های اقتصادی نوظهور مانند چین، هند، برزیل، روسیه، ترکیه و... سبب شده است تا بتوان از طریق این کشورها که قادرند در برابر تهدیدات ایالات متحده ایستادگی بیشتری کنند، اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی را تقلیل داد. برای مثال پس از اینکه باشگاه‌های بیمه مجدد^۹ در دنیا که به پوشش بیمه‌ای شرکت‌های بیمه می‌پردازند، از بیمه شرکت‌های بیمه‌گر همکار با ایران سرباز زدند و همین امر سبب استنکاف بیمه‌گران از همکاری با ایران شد، شرکت‌های بیمه مجدد چینی به شرطی که منافعی از محل مبادلات عاید اتباعشان باشد، حاضر شدند به بیمه مجدد شرکت‌های همکار با ایران بپردازند و این موضوع لاقلاً بیمه بخشی از مبادلات تجاری را حل کرد (بی‌نیاز، ۱۳۹۰، ص ۵۹۱). علاوه بر این انجام دادن مبادلات تجاری به صورت تهاوتی در مقابل دریافت نفت خام یا فرآورده‌های نفتی و بدون انجام دادن مبادلات مالی یا پذیرش دریافت مالی با ارزهای خود بجای دلار توانست کمکی نسبی به ایران در زمینه تأمین نیازمندی‌های بین‌المللی خود کند.

۳-۶. بانکداری برون‌مرزی

اصطلاح بانکداری برون‌مرزی یا دور از ساحل^{۱۰} مدتی است که در مباحث اقتصادی و مالی جهان طرح شده است. در این نوع بانکداری افراد به امید بهره‌مندی از امنیت بیشتر اطلاعات مالی خود، نرخ‌های کمتر یا معافیت مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به سپرده‌هایشان و دوری از تأثیرگذاری بی‌ثباتی‌های مالی و سیاسی بر جریان‌های مالی شخصی، اقدام به سپرده‌گذاری دارایی‌های خود در بانک‌های برون‌مرزی می‌کنند. این بانک‌ها که بیشتر در کشورهای کوچک ولی باثبات دنیا مانند لوکزامبورگ، اندورا، سوئیس و... واقع شده‌اند فرصتی برای افراد ایجاد

9. Reinsurance

10. Offshore Banking

می‌کنند تا نقش واسطه‌گری مالی را در شرایط تحریم ایفا نمایند (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۴۰). گفتنی است که به دلیل رواج استفاده‌های نامشروع از چنین بانک‌هایی، قوانین ضد پول‌شویی در حال محدود کردن آنهاست، با این حال هنوز خلأهای فراوانی در مبادلات مالی آنها وجود دارد که می‌توان برای تقلیل آثار تحریم‌ها از آنها بهره‌برداری کرد.

۴. عوامل تشدیدکننده آثار تحریم‌های اقتصادی اخیر بر ایران

در مقابل عواملی که سبب شدند تا تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ایران تقلیل یابد، عوامل دیگری سبب تشدید تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی اخیر با بهانه برنامه هسته‌ای بر نظام اسلامی شده است. مهم‌ترین این عوامل عبارت است از: چندجانبه شدن تحریم‌ها؛ بسته شدن بسیاری از مسیرهای دور زدن تحریم‌ها؛ محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌المللی؛ هدف قرار دادن فروش نفت و کسب درآمدهای نفتی؛ همزمانی تحریم‌های اقتصادی با آثار نشئت‌گرفته از اجرای طرح تحول اقتصادی؛ وابستگی شدید تولید داخلی به فناوری، مواد خام و واسطه‌ای خارجی؛ وابستگی نظام ارزی کشور به دلار و یورو؛ عدم مدیریت افکار عمومی در خصوص اثربخشی تحریم‌ها.^(۵)

۴-۱. چندجانبه شدن تحریم‌ها

نخستین تحریم جدی علیه ایران پس از انقلاب اسلامی در پی تسخیر سفارت امریکا اعمال شد. در ۲۰ سال اولیه پس از انقلاب تحریم‌های فراگیر بیشتر جنبه سیاسی داشتند و گاهی بر شدت و ضعف آنها افزوده می‌شد و اروپا فقط از تعداد محدودی از تحریم‌های اقتصادی حمایت می‌کرد. بهانه‌های تحریم‌ها در این مدت را می‌توان در سه دسته حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر و برنامه هسته‌ای خلاصه کرد. با این حال در سال‌های اخیر مهم‌ترین علت و بهانه تحریم ایران برنامه هسته‌ای بوده است و در پی صدور چهار قطعنامه ظالمانه در شورای امنیت پس از ارجاع پرونده ایران از سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و به بهانه واهی عدم شفافیت در برنامه هسته‌ای و نیز تبلیغات پرحجم و وسیع رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی علیه ایران، کشورهای بیشتری به حمایت از تحریم‌های ایران پیوسته‌اند و اتحادیه اروپا، شرکای تجاری آسیایی ایران به‌ویژه کره و ژاپن و حتی امارات که سود کلانی از محل ترانزیت کالا به ایران دریافت می‌کرد نیز به تحریم‌های اخیر ملحق شد. علاوه بر مبادلات تجاری، این وضعیت سبب کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران خارجی و بالاتر ارزیابی شدن خطر سرمایه‌گذاری در ایران شد؛ بنابراین از این طریق نیز اقتصاد کشور شاهد کاهش جریان‌ات سرمایه‌ای خارجی بود. چنین

جریانی علاوه بر اینکه شدت تحریم‌ها را افزود، موجب بسته شدن راه‌های جانشین در استفاده از محصولات کشورهای دیگر شد. به عبارت دیگر در تحریم‌های یک‌جانبه قبلی به‌رغم افزایش هزینه مبادله، عملکرد رقبا در تأمین نیازمندی‌های ایران مانع از تحمل فشاری مضاعف از محل تحریم می‌شد اما در تحریم‌های اخیر عملاً بسیاری از رقبا در کنار هم و در مقابل ملت ایران ایستاده‌اند.

۴-۲. بسته شدن بسیاری از مسیرهای دور زدن تحریم‌ها

در سال‌های تحریم اقتصادی، دور زدن تحریم‌ها و استفاده از مسیرهای جایگزین برای تأمین تجهیزات، قطعات، فناوری‌ها و موارد مورد نیاز دیگر برای کارشناسان، دولتمردان و حتی تجار و بازرگانان ایرانی به امری عادی و طبیعی تبدیل شده بود و هر یک تجربیات زیادی در این زمینه داشتند. با این حال چندجانبه شدن و نیز گستره و تنوع تحریم‌های اخیر به‌ویژه وجود تحریم‌های مالی و بانکی سبب شده است تا بسیاری از مسیرهای قبلی مسدود شود یا با هزینه مبادله بسیار بیشتری همراه باشد. در این میان همسایگان و کشورهایی که در گذشته همکاری تجاری بیشتری با ایران داشتند زیر ذره‌بین قرار گرفتند و مبادلات تجاری اتباع آنها با ایران به شدت محدود و کنترل شد و همین امر به پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر شدن فرایند دور زدن تحریم‌ها انجامید.

۴-۳. محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌المللی

یکی از تحریم‌های جدید آمریکا و اتحادیه اروپا، تحریم مالی و بانکی ایران است. ایالات متحده به موجب قانون کنگره بانک مرکزی ایران را تحریم و مبادلات مالی با بانک‌های ایرانی را محدود کرد. اتحادیه اروپا نیز در پی قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت که از کشورها می‌خواهد از ارائه کمک‌های مالی به ایران خودداری ورزند، تحریم مبادلات مالی با بانک‌های ایرانی را تصویب و اجرا کرد. از جمله این تحریم‌ها، محدودیت شبکه مالی سوئیفت برای نقل و انتقالات پولی میان ایران و دیگر کشورهاست (Drury, 2005). اگرچه امروزه ابزارهایی از جمله بانکداری برون‌مرزی، استفاده از نظام قدیمی حواله یا ایجاد شرکت‌های پوششی واسطه در دیگر کشورها برای مبادلات مالی بین‌المللی راهگشاست، هزینه مبادله و خطر بالاتر آنها سبب می‌شود این مبادلات به دشواری انجام گیرد.

۴-۴. هدف قرار دادن فروش نفت و کسب درآمدهای نفتی

در بخش عوامل تقلیل‌دهنده آثار تحریم‌های اقتصادی گفته شد که وجود درآمدهای نفتی دولت و انجام دادن مخارج دولتی همواره به کاهش آثار تحریم‌ها به‌ویژه برای اقشار فقیر و کم‌درآمد جامعه کمک شایانی می‌کرد. اما در تحریم‌های اخیر تلاش شده است که دولت ایران از این درآمد محروم شود. تحریم‌های نفتی امریکا و اتحادیه اروپا درباره منع کشورها از خرید نفت ایران یا تلاش برای کاهش میزان وابستگی به نفت ایران در دوره زمانی معین سبب شده است که فشار بیشتری بر بودجه دولت از نظر درآمدها وارد آید. شایان ذکر است که به دلیل اینکه نفت خام غیر از برخی ویژگی‌ها، ملیت خاصی ندارد به آسانی می‌توان نفت خام را به نام کشورهای دیگر و با کشتی‌های دیگران در دریاهای آزاد به فروش رساند.

۴-۵. وابستگی شدید تولید داخلی به فناوری، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی

از جمله مسائلی که تحریم‌های اخیر به روشن شدن آن کمک شایانی کرد، وابستگی بسیار زیاد تولیدات به ظاهر داخلی به ارز و واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای، تجهیزات و قطعات ساخته شده و در نهایت فناوری خارجی بود. این میزان وابستگی عملاً سبب شده است که بی‌ثباتی در بازار ارز یا مشکلات ایجادشده در مبادلات مالی تأثیر خود را بر تولید بجا گذارد و تولید داخلی را دچار نوسانات و مشکلات جدی کند؛ به‌رغم اینکه انتظار می‌رود تولید داخلی با وجود فشارهای بین‌المللی نقش‌آفرینی مثبتی کند. این وابستگی تا جایی ادامه یافته است که حتی در تولید محصولات کشاورزی و دامی نیز به دلیل وابستگی شدید به نهاده‌های اولیه وارداتی، به محض ایجاد اختلالی در نرخ ارز یا سیاست‌های وارداتی، تولید داخلی دچار مشکل و به دلیل کمبود عرضه، بازار آنها دچار تلاطم شد.

۴-۶. وابستگی نظام ارزی کشور به دلار و یورو

نظام ارزی کشور به تبع آنچه در دنیا می‌گذرد، مبتنی بر ارزهای غالب تنظیم شده است. به عبارت دیگر عمده صادرات کشور در ازای دریافت این دو ارز انجام می‌گیرد و عمده واردات نیز بر اساس همین دو ارز سامان می‌یابد. به‌رغم مشکلات و هزینه‌هایی که می‌تواند تعریف شود و استفاده از یک سبد ارزی متنوع بر اثر تغییرات نرخ‌های ارز و... در پی داشته باشد، استفاده از نظام ارزی بر پایه دلار و یورو سبب شده است که در وضعیت قفل مبادلات بین‌المللی با این ارزها در اتاق‌های تسویه بانک مرکزی مربوط نتوان مبادلات مالی حتی با کشورهای دیگر را پیش برد.

۴-۷. همزمانی تحریم‌های اقتصادی با آثار نشئت‌گرفته از اجرای طرح تحول اقتصادی

از جمله مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دولت‌های نهم و دهم، طرح تحول اقتصادی بود. اگرچه محورهای مختلف این طرح هر یک از الزامات سیاست‌گذاری اقتصادی در آن زمان محسوب می‌شد، به‌صورت واقعی شوکی به اقتصاد ملی وارد کرد که قابلیت نوسانات جدی‌تر بعدی را به وجود آورد. سوء مدیریت و فقدان پیگیری و استمرار نظارت بر بازارها تا تثبیت روندهای جدید باعث شد تا آثار شوک قیمتی برخاسته از اجرای این برنامه تحولی اقتصادی به‌ویژه در زمینه هدفمندی یارانه‌ها، با شوک نشئت‌گرفته از تحریم‌های اقتصادی همسو شود. همچنین ضمن شکل‌گیری فضای نااطمینانی در اقتصاد، زمینه بی‌ثباتی و رفتارهای رمه‌وار به‌ویژه در بازار سکه و طلا که دارای کمترین خطر سرمایه‌گذاری در وضعیت نااطمینانی است و ارزشی که به دلیل سوء مدیریت در تزریق دولتی، بازاری متلاطم داشت، نوسان بزرگ‌تری را در اقتصاد رقم زد.

۴-۸. تأثیر عدم مدیریت ادراک مردم و افکار عمومی بر اثربخشی تحریم‌ها

یکی از عواملی که در توفیق و اثربخشی تحریم‌های اقتصادی همواره مورد تأکید اتاق‌های فکر کشورهای تحریم‌کننده است، شکل‌گیری ادراک عموم جامعه هدف در اثربخشی تحریم‌هاست (Hufbauer and et. al., 2013). به عبارت دیگر اینکه هر نارسایی اقتصادی بجا یا نابجا به پای آثار تحریم‌ها نوشته شود و فضای نااطمینانی و بی‌ثباتی اقتصادی به دلیل رفتارهای رمه‌وار، احتکار و سوداگری برخی افراد ناآگاه در جامعه هدف تشدید شود، مردم در حمایت از سیاست‌های دولت خود دچار تردید و دودلی می‌شوند و زمینه برای اثرات‌بخشی تحریم‌ها مهیا می‌شود.

بر این اساس دامن زدن و بزرگ کردن مشکلات اقتصادی توسط رسانه‌ها و نسبت دادن همه آنها به تحریم، به شکل‌گیری ادراک عمومی نامناسب در جامعه در زمینه تحریم‌ها انجامیده و به نوعی خدمت به اهداف تحریم‌کنندگان است. در مقابل چنانچه ادراک عمومی به نحو مناسبی مدیریت شود خودبه‌خود بسیاری از آثار تحریم‌ها تعدیل و امکان ایستادگی در مقابل آنها فراهم می‌شود.

۵. رهیافت‌های مقابله با تحریم

از نظر اقتصادی زمانی کشور تحریم‌کننده درباره برنامه‌ریزی و اعمال تحریمی علیه کشوری اقدام می‌کند که از این طریق منافع سیاسی یا اقتصادی بیشتری از هزینه‌های آن کسب کند. البته این منافع و هزینه‌ها را در افق زمانی محاسبه می‌کند؛ بدین معنا که منافع بلندمدت

تحریم بر هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آن غلبه کند. همچنین کشور هدف نیز زمانی در مقابل تحریم‌ها تسلیم می‌شود که هزینه‌های سیاسی و اقتصادی تحمل تحریم‌ها از منافع آن بیشتر باشد؛ چه اینکه تحریم همواره منافی را نیز برای کشور هدف به همراه دارد. مانند ایجاد مزیت نسبی برای تولید داخلی کالاها و... که قبلاً از طریق واردات تأمین می‌شد. بنابراین مهم‌ترین نکته در مقابله با تحریم از جانب کشورهای مختلف این است که اوضاع اقتصاد داخلی به گونه‌ای طراحی شود که اولاً هزینه‌های تحریم برای کشورهای تحریم‌کننده بیشتر شود و ثانیاً هزینه‌های داخلی تحریم را کاهش دهد تا در مقایسه با منافع از دست رفته به دلیل تسلیم در مقابل تحریم‌ها، همواره کمتر باشد. با توجه به این مبنا در جلسات طوفان مغزی با حضور نخبگان اقتصادی^(۶) رهیافت‌هایی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی پیشنهاد و اولویت‌بندی شد. در ادامه رهیافت‌های پیشنهادی برای کاهش اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی آمده است. شایان ذکر است که برخی از رهیافت‌های زیر ناظر به کاهش هزینه‌های تحریم در داخل و افزایش منافع آن و برخی ناظر به افزایش هزینه‌های تحریم برای کشورهای تحریم‌کننده و کاهش منافع آن برای وی است.

<p>راهکارهای ناظر به افزایش منافع برای تحریم‌شونده: فعال‌سازی ظرفیت تولید داخلی سیاست‌گذاری راهبردی تجاری پیگیری جدی رهیافت اقتصاد مقاومتی</p>	<p>راهکارهای ناظر به کاهش منافع برای تحریم‌کننده: مدیریت افکار عمومی پافشاری بیشتر بر اصول و حفظ استقلال کشور</p>
<p>راهکارهای ناظر به کاهش هزینه برای تحریم‌شونده: شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای آنها کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر</p>	<p>راهکارهای ناظر به افزایش هزینه برای تحریم‌کننده: سیاست‌گذاری فعال (شکاف در متحدان) متنوع‌سازی نظام ارزی کشور</p>

۶. شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها

اگرچه اقتصاد ایران بعد از انقلاب همواره با تحریم مواجه بوده و نسبت به آن ورزیده شده است اما تجربهٔ ماه‌های اخیر تشدید تحریم‌ها نشان می‌دهد اقتصاد ایران اشکالات ساختاری بسیاری دارد که آن را در مقابل تحریم‌ها آسیب‌پذیر می‌کند. در این میان شناسایی موارد آسیب‌پذیری تولید در وضعیت تشدید تحریم اهمیت زیادی دارد. وجود مشکلات ساختاری و موارد آسیب‌پذیر در مدیریت اقتصادی، بخش‌های تولید، فرایند توزیعی و رفتارهای مصرفی هر یک می‌تواند به تشدید آثار تحریم‌های اقتصادی بینجامد. تجربه ماه‌های اخیر نشان می‌دهد مدیریت

اقتصادی کشور به هیچ وجه آمادگی لازم برای مواجهه با تحریم‌های شدید را ندارد. برای مثال اعلام تصمیمات و سیاست‌های سریع بدون برنامه‌ریزی و توجه به جوانب آن در وضعیت اختلال در بازارهای ارز و فلزات گرانبها، سبب تشدید بی‌ثباتی و نااطمینانی در اقتصاد کشور شد و هزینه‌های تحریم را مضاعف کرد. از سوی دیگر تولیدی که همواره وابسته به فناوری، تجهیزات، قطعات و حتی نهاده‌های اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نیمه‌ساخته خارجی باشد، در وضعیت تحریم اقتصادی به شدت آسیب دیده و ممکن است از حرکت باز ایستد. علاوه بر این فرایند توزیعی کشور که در وضعیت طبیعی معیوب بودن آن از نظر ناکارایی و حاشیه سود بسیار بالای واسطه‌ها محرز است، در وضعیت اختلال در بازارها بسیار مستعد رفتارهای محترکانه و سوداگرانه است؛ چیزی که در صورت عدم مداخله مناسب دولت برای تنظیم بازارها به دلیل ضعف در ذخایر ارزی و... مردم را دچار فشار مضاعف می‌کند. اصلاح ساختاری مسائل پیش‌گفته به همراه پیش‌بینی راه‌حل‌های موازی برای ایجاد قابلیت انعطاف در مواقع بروز مشکل، اصل کلیدی مقابله با تحریم خارجی است.

۷. کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی

اگرچه جابه‌جایی نیروی کار، سرمایه و کالاها بین کشورها و استفاده از مزیت‌های نسبی موجب منافع متقابل می‌شود، وابستگی به مبادله عوامل تولید و تجارت با کشورهایی که مشترکات راهبردی عمده با ما ندارند، زمینه تعاملی شکننده و ناپایدار را فراهم می‌کند که در وضعیتی مانند تحریم‌های اقتصادی فروخواهد پاشید و مشکلات عدیده‌ای ایجاد خواهد کرد. پی‌ریزی تعاملاتی هوشمندانه مبتنی بر هم‌سویی منافع در طول برداری از اشتراکات مذهبی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... می‌تواند در مواقع وجود دشواری به کمک آید.

گفتنی است که مهم‌ترین حامیان تجارت آزاد قوانینی تحت عنوان «قانون تجارت با دشمن»^{۱۱} تصویب کرده‌اند که به دولت آنها در مواقع اضطراری اجازه هر نوع کنترل و تحدید تعاملات اقتصادی بین‌المللی را می‌دهد. این قانون در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۱۷ و در انگلستان در سال ۱۹۳۹ به تصویب رسیده و در مواقعی مانند جنگ جهانی دوم نیز از آن استفاده شده است. در ماده ۵ این قانون آمده است: «در زمان جنگ یا هر زمانی که رئیس جمهوری وضعیت اضطراری ملی را اعلان کند، رئیس جمهور می‌تواند از طریق هر سازمانی که ایجاد می‌کند یا طریق دیگر، به بررسی، تنظیم و کنترل یا وضع ممنوعیت‌هایی در قالب قوانین

موجود یا خارج از شمول آنها، بر هر گونه معاملات در بازار ارز، نقل و انتقال اعتبار بین افراد و بنگاه‌ها یا هر پرداخت مؤسسات بانکی و هر نوع صادرات، احتکار، ذوب یا انتقال فلزات گرانبها (طلا و نقره) در چهارچوب تعریف رئیس جمهوری بپردازد و...» (Trading with the Enemy Act Sec. 5(b)).

به عبارت دیگر می‌توان گفت اصول تجارت با دشمن یا وضعیت اضطراری از اصول عام تجارت بین‌الملل متفاوت است. در مبانی دینی اسلامی نیز قرآن کریم از هر گونه روابط و تعاملی با غیرمسلمانان که سبب سلطه اقتصادی و سیاسی آنها بر مسلمین شود، منع کرده است^(۷) که تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» در قواعد فقهی از آن نام برده می‌شود. به نظر می‌رسد که با توجه به این مبانی لازم است روابط تجاری حتی در وضعیت عادی نیز با توجه به ملاحظات این قاعده ساماندهی شود. علاوه بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در روابط تجاری بین‌المللی لازم است جریان‌های مالی و ارزی ورودی و خروجی نیز در وضعیت تحریم و وجود کمبود منابع به صورت جدی تری کنترل و نظارت شود. کنترل جدی بر عرضه و تقاضای ارز در بازار و هدایت آن در جهت نیازمندی‌های اساسی اقتصاد از مسائل مهمی است که لازم است برای آن تدبیری اندیشه شود.

۸. کاهش وابستگی به تولیدات خارجی

کاهش وابستگی به تولیدات خارجی در روابط خارجی برای مقابله با تحریم‌ها اهمیت زیادی دارد. به طور طبیعی حجم بالای تجارت خارجی زمینه ایجاد وابستگی به تولیدات خارجی و در نتیجه تشدید نیاز ارزی است. در وضعیت عادی اگر صادرات و منابع ارزی تکافوی تقاضای ارز را بکند، تعادل بازار ارز برقرار می‌شود؛ اما در وضعیت تحریم کلیه این معادلات دگرگون می‌شود. بنابراین اصل کلیدی آن است که کالاهای اساسی و راهبردی همچون غذا، دارو، سوخت و نیازهای دفاعی مبتنی بر منابع، توان و جهت‌گیری‌های داخلی باشد. در صورتی که وضعیت موجود این‌گونه نیست و برای نمونه در حالی که مصرف سرانه مرغ در ایران در سه دهه گذشته پنج برابر شده، حدود هشتاد درصد از سویای مورد نیاز برای خوراک طیور وارداتی است. علاوه بر این وابستگی شدید صنایع داخلی به فناوری، قطعات و تجهیزات خارجی باید از طریق گسترش واحدهای تحقیق و توسعه و ایجاد ارتباط وثیق میان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با صنایع هر چه زودتر برطرف شود. دولت می‌تواند برای تسریع این مهم به سیاست‌هایی تشویقی مبادرت ورزد.

۹. کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی نظام ارزی کشور

شاید اصلی‌ترین متغیر در تشدید اثربخشی تحریم‌ها وضعیت نظام ارزی شامل وابستگی به درآمدهای ارزی در همه بخش‌های اقتصاد به صورت مستقیم و غیرمستقیم در کنار کسری تراز پرداخت‌های خارجی باشد. تشدید کسری تراز پرداخت‌ها موجب می‌شود اثربخشی تحریم‌ها تصاعدی افزایش یابد. بنابراین حذف وابستگی بودجه دولت به درآمدهای ارزی حاصل از نفت، گاز و پتروشیمی، کاهش مستمر واردات نیازهای اساسی، حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آنها با خالص ارزآوری مثبت یا خالص ارزبری منفی همراه باشد، پرهیز از خام‌فروشی و تشویق صادرات به‌ویژه صادرات محصولات دانش‌بنیان و خدمات تخصصی، اصول محوری کنترل کسری تراز پرداخت‌هاست.

علاوه بر این اگرچه تنوع در نظام ارزی همواره با خطر تغییر قیمت گستره بیشتری از ارزها همراه است، در وضعیت خاص کشور ما که همواره در معرض تهدیدات اقتصادی قرار دارد، اقتصاد تک‌محصولی در کنار گردش درآمدی واحد ارزی، موجب بی‌ثباتی نظام ارزی می‌شود. تلاش مستمر برای تکمیل زنجیره محصولات و ارتقای ارزش افزوده آنها و نیز یافتن شرکای جدید تجاری موجب تنوع بخشی، قابلیت انعطاف، افزایش تنوع درآمدهای ارزی و تثبیت بازار ارز به‌عنوان یکی از بازارهای اصلی اقتصاد به‌ویژه اقتصاد ایران می‌شود.

۱۰. دیپلماسی فعال

جلوگیری از تشدید تحریم‌ها به‌ویژه به کمک دیپلماسی خارجی، دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای و...) و دیپلماسی اقتصادی و نیز استفاده از ظرفیت‌های حقوقی برای طرح دعوا علیه تحریم‌های غیرقانونی در محاکم بین‌المللی و نیز مدیریت افکار عمومی برای تسلیم نشدن در برابر عملیات روانی تحریم‌کنندگان نیز برای تحدید اثربخشی تحریم‌ها مؤثر است. اثربخشی تحریم‌ها ابتدا اقتصادی، سپس اجتماعی و در نهایت سیاسی و تغییر رفتار دولتمردان کشور هدف است. کاهش هزینه‌های اقتصادی تحریم‌ها از شیوه‌های پیش‌گفته و نیز یافتن متحدان و شرکای جدید در فضای بین‌المللی در کاهش هزینه‌های تحریم به کشور هدف کمک زیادی می‌کند؛ ضمن اینکه هزینه‌های تحریم برای تحریم‌کننده را نیز به مقدار زیادی افزایش خواهد داد، چراکه لازم است برای حفظ اتحاد چندجانبه‌عاملان، امتیازات بیشتری بدهد. عملیات روانی، نقض اجماع‌ها، نفوذ بین متحدان علیه منافع کشور هدف و... مبتنی بر هنجارهای بین‌المللی می‌تواند هزینه تحریم را برای تحریم‌کنندگان افزایش دهد. همانطور که در دلایل تشدید بیان

شد، بین‌المللی شدن تحریم‌ها و چندجانبه شدن آن باعث خواهد شد تأثیر آن افزایش یابد. همچنین کشورهای صادرکننده برای تشدید تأثیر تحریم‌ها از عملیات روانی بین‌المللی مانند واژه‌های حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر یا وارونه جلوه دادن برنامه‌های هسته‌ای کشور استفاده می‌کنند تا با ایجاد همگرایی در دنیا، هزینه‌ها بر کشور هدف را افزایش دهند. در این میان استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و نیز دیپلماسی فعال و عمومی تا حدی از شدت فشارهای یادشده می‌کاهد. شایان ذکر است که قدرت اقتصادی تحریم‌کنندگان به هیچ وجه نباید سبب یأس و ناامیدی در کشور هدف شود؛ چراکه مطالعات بین‌المللی حوزه تحریم نشان می‌دهد تفاوت بسیار زیاد تولید ناخالص داخلی کشور تحریم‌کننده و کشور هدف (حجم متفاوت اقتصادی آنها) موجب نشده است اثربخشی تحریم‌ها تشدید یابد. بنابراین اگرچه دامنه و قلمرو تحریم‌ها متغیری کلیدی است، عوامل تعیین‌کننده اصلی، متغیرهای دیگر از جمله وابستگی عمده به خارج است. همچنین حضور دیپلماسی فعال اثرگذار است؛ نمونه‌های زیادی وجود دارد که ائتلاف چند کشور برای تحریم یک کشور به ثقل و پنهان کاری تعدادی از همان کشورها برای استفاده از خلأ تجاری و افزایش حاشیه سود منجر شده و در مجموع موجب دور زدن شرکا شده است. بنابراین پارادوکس موجود آن است که در نگاه اول تصور می‌شود یافتن متحدان جدید بر اثربخشی تحریم‌ها تأثیر مثبت دارد، اما عملاً آزمون‌ها و مشاهدات عکس آن را نشان می‌دهد. بر این اساس وجود ائتلاف متحدان نیز نباید موجب وادادگی کشور هدف شود.

۱۱. حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

همواره یکی از دلایل تحریم اقتصادی فشار بر مردم و ایجاد ناآرامی‌های داخلی به‌منظور تسلیم دولتمردان و پذیرش خواسته‌های تحریم‌کنندگان است. در این میان طبقاتی که بیشترین آسیب را از تحریم اقتصادی می‌بینند، اقشار آسیب‌پذیر و محروم و نیز افراد دارای درآمدهای ثابتی هستند که نمی‌توانند آثار تحریم را به دیگران منتقل کنند. مصون‌سازی و ایجاد چتر حمایتی برای این گروه‌ها مانند کارگران، کشاورزان و کارمندان با درآمد پایین می‌تواند جمعیت متأثر از تحریم را کاهش دهد.

۱۲. مدیریت مناسب افکار عمومی و ادراک مردم

در مجموع اگر مردم بر این باور باشند که تحریم‌ها تأثیری ندارد، رفتارهایی نشان خواهند داد که عمق آثار تحریم‌ها را خود به خود کمتر می‌کند و برعکس اگر ادراک مردم از وضعیت جامعه این باشد که تحریم‌ها کشور را مختل کرده است، رفتارهای واکنشی مردم (مانند رفتار رمه‌وار)

و حتی مسئولان موجب اثر بخش شدن تحریم‌ها خواهد شد. دامن زدن و بزرگ کردن مشکلات توسط رسانه‌ها، سایت‌ها و روزنامه‌ها موجب می‌شود تا فضای نااطمینانی در کشور پررنگ‌تر شود. از این‌رو در واکنش به آن رفتارهایی از مردم و مسئولان دیده می‌شود که به بحران‌های جدید می‌انجامد.

بر این اساس گام اساسی برای مقابله با تأثیرات تحریم، مدیریت مناسب و ادراک مردم و افکار عمومی در خصوص وضعیت اقتصادی و تحریم‌هاست تا از چنین رفتارهایی جلوگیری شود؛ چراکه نااطمینانی موجود در افکار عمومی، کارایی اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد و بحران را گسترده‌تر می‌کند.

۱۳. پیگیری رهیافت اقتصاد مقاومتی

اگرچه تمامی موارد قبلی را می‌توان در قالب رهیافت اقتصاد مقاومتی نیز تشریح کرد و این رهیافت جامع همهٔ موارد یادشده است، با این حال بخش‌هایی از آن اهمیت بیشتری دارد. در اقتصاد مقاومتی امید می‌رود تا با ایجاد ساختاری مقاوم در اقتصاد، حرکت آن در مسیر رشد و پیشرفت تضمین شود؛ دو ویژگی مهم چنین اقتصادی مردمی بودن و دانش‌بنیان بودن آن است. از جمله راهکارهایی که رهبر معظم انقلاب برای مقاومتی‌شدن اقتصاد ایران پیشنهاد کرده‌اند، مردمی‌سازی اقتصاد است. آنچه در موضوع اقتصاد مردمی به نظر می‌رسد تسهیل ورود همهٔ اقشار مردم به حوزه اقتصاد و زمینه‌سازی برای بر دوش گرفتن امور اقتصادی به‌صورت کاملاً خودجوش توسط آحاد مردم است و در صورت تحقق این امر اقتصاد کشور به حرکت درمی‌آید و دستیابی به اهداف آن به‌رغم وجود موانع ممکن می‌شود^(۸). حضور آحاد مردم در اقتصاد و نقش‌آفرینی در آن نیازمند بسترسازی است؛ به گونه‌ای که همهٔ انگیزه‌ها، ابتکارات و خلاقیت‌ها فرصت و زمینهٔ بروز و ظهور بیابند. با این حال باید توجه کرد که فقط در صورتی ورود افراد به زمینه‌های اقتصادی ثمربخش خواهد بود که زمینه‌های انگیزشی در جهت مناسب و صحیح به کار انداخته شود که در غیر این صورت نه تنها نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، بلکه مسیر حرکت به سمت اهداف نیز دشوارتر خواهد شد. علاوه بر این طرح‌ریزی پیشرفت اقتصادی کشور بر مبنای علم و دانش یا توسعهٔ صنایع دانش‌بنیان که ارزش افزودهٔ بسیار بیشتری تولید می‌کند، آلوده‌کنندهٔ محیط زیست نیست و بر پایهٔ توانمندی‌های انسانی استوار است، ویژگی اساسی دوم یک اقتصاد مقاومتی است که لازم است در بلندمدت تحول ساختاری اقتصاد ایران متناسب با آن مدنظر قرار گیرد. شکل‌گیری دو ویژگی یادشده پیشین که هر دو

نیازمند تحولی ساختاری است، در بلندمدت به مقاوم شدن اقتصاد ایران در مقابل تحریم‌های اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد.

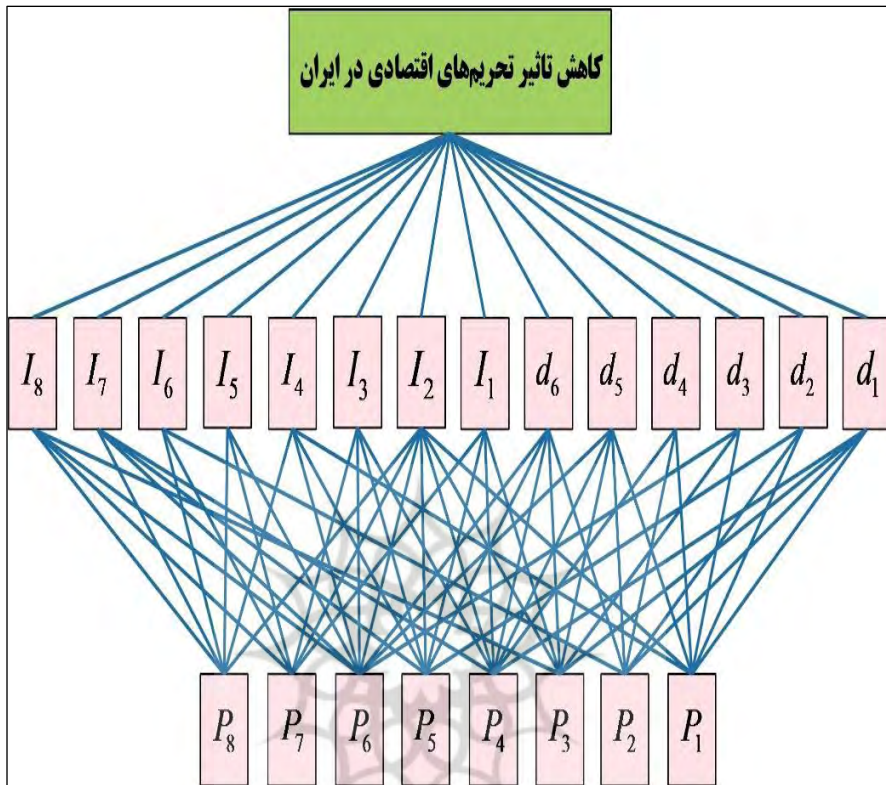
۱۴. بررسی اهمیت و اولویت‌بندی راهکارهای کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی

برای فهم واقعیت معناداری و اثرگذاری راهکارهای پیشنهادی در این مقاله از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شد. روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)^{۱۲} یکی از بهترین و دقیق‌ترین روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری بر اساس چندین شاخص می‌باشد. این روش تا حدود زیادی شبیه مغز انسان کار می‌کند (اکبری و زاهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴) و به گونه‌ای طراحی شده است که می‌تواند مسائل بسیار بزرگ و پیچیده را به مسائل کوچک‌تر تقسیم نموده و امکان ساده‌تر کردن حل مسئله را فراهم آورد (قدسی‌پور، ۱۳۸۴). بنابراین با استفاده از این روش اولویت و اهمیت هر یک از راهکارهای پیشنهادی در کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی بررسی می‌شود. این روش می‌تواند راهکارهایی را تعیین کند و بر اهمیت آنها صحنه‌گذار که رابطه معناداری با شاخص‌های اثربخشی تحریم‌ها ندارند. ضمن اینکه اولویت و رتبه شاخص مذکور را نیز تعیین می‌کند. در این روش تحلیلی هدف اصلی^{۱۳} «کمتر شدن تأثیر تحریم‌های اقتصادی» در نظر گرفته شد. با توجه به معرفی شش عامل تقلیل‌دهنده تأثیر تحریم‌های اقتصادی که با d_1 تا d_6 نشان داده می‌شود و هشت عامل تشدیدکننده تأثیر این تحریم‌ها که با I_1 تا I_8 نشان داده شده است؛ هشت سیاست و راهکار اجرایی برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و کاهش تأثیر آنها به روش طوفان مغزی تعیین شد که عبارت است از: ۱- کاهش وابستگی به تولیدات خارجی، ۲- کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی، ۳- سیاست‌گذاری فعال، ۴- پیگیری رهیافت‌های اقتصاد مقاومتی، ۵- شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها، ۶- مدیریت افکار عمومی و ادراک مردم، ۷- کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی نظام ارزش کشور، ۸- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، که این راهکارها را با P_1 تا P_8 نمایش می‌دهیم. هر یک از این راهکارها از طریق تقویت تعدادی از عوامل تقلیل‌دهنده یا تضعیف تعدادی از عوامل تشدیدکننده تأثیر تحریم‌ها موجب می‌شود تأثیر منفی تحریم‌های اقتصادی در کل کاهش یابد. سلسله‌مراتب تحلیل پیشین به صورت زیر است.

12. Analytical Hierarchy Process

13. General goal

شکل شماره (۱) - سلسله‌مراتب تأثیر سیاست‌های اجرایی بر کاهش تحریم‌های اقتصادی از طریق عوامل تقلیل‌کننده و تشدیدکننده



(منبع: یافته‌های پژوهش)

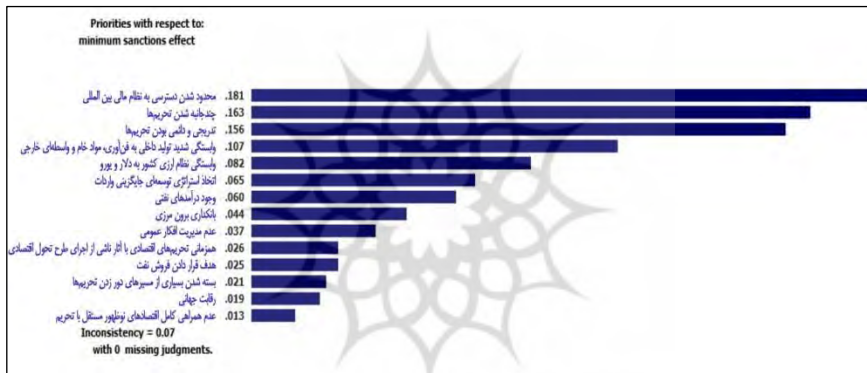
برای انجام دادن چنین تحلیلی ابتدا قدر مطلق تأثیر هر یک از عوامل بر کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی با یکدیگر مقایسه می‌شود و عوامل را بر اساس ضریب تأثیر در کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر کشور (به‌مثابه هدف اصلی) مقایسه زوجی و اولویت‌بندی می‌کنیم. این عملیات با مقایسه زوجی نخبگان اقتصادی و در قالب تکمیل پرسشنامه ۹ انجام گرفته و با نرم‌افزار Expert Choice اولویت‌بندی شده است که مقایسات زوجی و اولویت‌بندی به‌صورت زیر است:

شکل شماره (۲) - مقایسات زوجی بین عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی در ایران

	d1	dr	dr	dr	da	df	l1	lr	lr	lr	la	lf	lv	la
d1		3.0	3.0	7.0	7.0	3.0	1.0	5.0	1.0	5.0	3.0	3.0	7.0	5.0
dr			2.0	5.0	6.0	2.0	5.0	4.0	4.0	4.0	3.0	3.0	3.0	3.0
dr				4.0	6.0	3.0	4.0	3.0	5.0	3.0	3.0	2.0	3.0	3.0
dr					3.0	3.0	7.0	2.0	6.0	2.0	5.0	4.0	3.0	3.0
da						3.0	7.0	2.0	7.0	3.0	6.0	5.0	3.0	3.0
df							4.0	5.0	5.0	3.0	4.0	3.0	2.0	2.0
l1								7.0	2.0	4.0	3.0	3.0	5.0	5.0
lr									6.0	3.0	5.0	4.0	3.0	3.0
lr										5.0	3.0	3.0	6.0	4.0
lr											6.0	4.0	2.0	3.0
la												2.0	4.0	3.0
lf													3.0	3.0
lv														2.0
la	Incon: 0.07													

(منبع: یافته‌های پژوهش)

شکل شماره (۳) - رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی در ایران



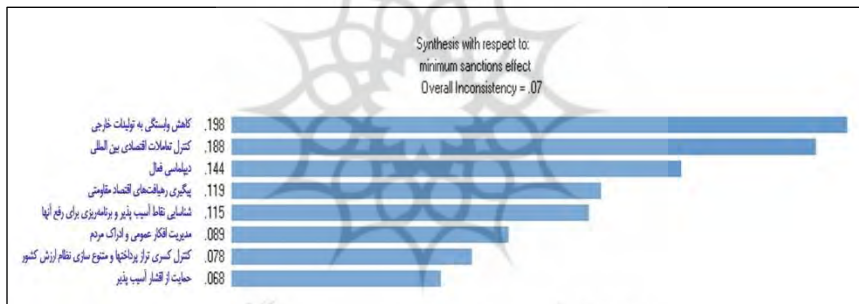
(منبع: یافته‌های پژوهش)

همان‌طور که در تصویر پیشین مشاهده می‌شود تحریم‌های مالی و محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌الملل مهم‌ترین عامل در اثرگذاری تحریم‌هاست و با ضرایب تأثیر نزدیک، چندجانبه شدن تحریم‌ها و تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها به ترتیب اهمیت کمتری دارند. نکته بسیار مهم این است که قدر مطلق تأثیرگذاری هر یک از عوامل پیشین مقایسه شده است؛ چرا که برای مثال چندجانبه شدن تحریم‌ها تشدیدکننده تأثیر تحریم‌ها و تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها از عوامل تقلیل‌دهنده تأثیر تحریم‌های اقتصادی است. با وجود این قدر مطلق تأثیرات و اهمیت آنها با یکدیگر مقایسه شد تا در یک سطح و در کنار هم دیده شود. بدیهی است راهکارهای پیشنهادی برای کاهش تأثیر تحریم‌ها از طریق تقویت عوامل

تقلیل دهنده اثر تحریم‌ها و تضعیف عوامل تشدیدکننده اثر تحریم‌ها، موجب دستیابی به هدف اصلی یعنی «کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی» می‌شود.

نکته قابل توجه این است که بر اساس محاسبات انجام شده توسط توماس ال ساتی^{۱۴}، در صورتی که مقدار شاخص ناسازگاری^{۱۵} کمتر از ۰/۱ باشد، نتایج قابل استناد می‌باشد (اکبری و کیوانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). همانطور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، ناسازگاری برابر ۰/۰۷ است؛ بنابراین می‌توان بر معناداری و اهمیت شاخص‌های یادشده بر هدف اصلی تأیید کرد. در مرحله بعد برای بررسی و تحلیل اینکه هر یک از راهکارها، توسط کدام عوامل بر کاهش تأثیر تحریم کمک می‌کنند، بر اساس هر عامل مقایسات زوجی بین راهکارها انجام گرفته است^(۱۰)، اهمیت کلی راهکارهای بیان شده در کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی را رتبه‌بندی کردیم. نتیجه تحلیل سلسله‌مراتبی با استفاده از خروجی نرم‌افزار expert choice به صورت زیر است:

شکل شماره (۴) - رتبه‌بندی راهکارهای اجرایی کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی در ایران



(منبع: یافته‌های پژوهش)

بر این اساس راهکار کاهش وابستگی به تولیدات خارجی مهم‌ترین سیاست و راهکار برای کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد ایران است. همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد، وابستگی شدید تولید داخلی به نهاده‌ها و فناوری خارجی عاملی است که می‌تواند تولید داخلی را در وضعیت تحریم متوقف کند. علاوه بر این ۲- کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی، ۳- سیاست‌گذاری فعال، ۴- پیگیری رهیافت‌های اقتصاد مقاومتی، ۵- شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها، ۶- مدیریت افکار عمومی و ادراک مردم، ۷- کنترل کسری تراز پرداختها و متنوع‌سازی نظام ارزش کشور، ۸- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر^(۱۱) در رتبه‌های

14. Thomas L. saaty

15. Inconsistency Index

بعدی اهمیت قرار دارد. همان‌طور که در شکل نمایش داده شد، شاخص ناسازگاری کل نیز برابر ۰/۰۷ است که براساس محاسبات آقای ال- ساعتی نتایج پذیرفتنی است و تأیید می‌شود.

فرجام

در نهایت باید گفت آنچه از واکاوی مبانی نظری تحریم و تجربه ایران و کشورهای دیگر به دست می‌آید، این است که شش عامل مهم در تقلیل اثر تحریم‌های اقتصادی از نظر ایران مبتنی بر کاهش منافع و افزایش هزینه‌های تحریم‌کنندگان و افزایش منافع و کاهش هزینه‌های کشور تحریم‌شونده، عبارت است از: تدریجی و دائمی بودن تحریم‌ها، وجود درآمدهای نفتی، اتخاذ راهبرد توسعه‌ای جایگزینی واردات، رقابت جهانی، عدم همراهی کامل اقتصادهای نوظهور مستقل با تحریم. در مقابل هشت عامل مهم در تشدید اثر تحریم‌ها عبارت است از: چندجانبه شدن تحریم‌ها، بسته شدن بسیاری از مسیرهای دور زدن تحریم‌ها، محدود شدن دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، هدف قرار دادن فروش نفت، همزمانی تحریم‌های اقتصادی با آثار برگرفته از اجرای طرح تحول اقتصادی (هدفمندسازی یارانه‌ها)، وابستگی شدید تولید داخلی به فناوری، مواد خام و واسطه‌ای خارجی، وابستگی نظام ارزی کشور به دلار و یورو، عدم مدیریت افکار عمومی. با اطلاع از عوامل پیشین مبتنی بر مبانی علمی می‌توان سیاست‌های عملی مناسبی را برای مقابله با تحریم‌ها ارائه کرد. با بازکاوری عوامل یادشده، هشت سیاست پیشنهادی یا راهکار عملی ارائه شد. این راهکارها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی رتبه‌بندی شده که به ترتیب اهمیت عبارت است از: ۱- کاهش وابستگی به تولیدات خارجی، ۲- کنترل تعاملات اقتصادی بین‌المللی، ۳- سیاست‌گذاری فعال، ۴- پیگیری رهیافت‌های اقتصاد مقاومتی، ۵- شناسایی موارد آسیب‌پذیر و برنامه‌ریزی برای رفع آنها، ۶- مدیریت افکار عمومی و ادراک مردم، ۷- کنترل کسری تراز پرداخت‌ها و متنوع‌سازی نظام ارزش کشور، ۸- حمایت از اقشار آسیب‌پذیر. دخیل کردن این سیاست‌ها در برنامه‌های توسعه اقتصادی و توجه به آنها می‌تواند برای اقتصاد ایران ساختاری مستحکم در مقابله با تحریم‌ها ایجاد کند و شوک‌ها و نوسانات اقتصادی برخاسته از تحریم‌ها را تا حد زیادی کنترل و محدود کند و در نهایت ثبات اقتصادی و سیاسی ایجاد کند.

پانوشت‌ها

۱. «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتا در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۶/۰۵/۱۳۹۱)
۲. برخی از اطلاعات با استفاده از منابع دیگر (مانند گزارش مرکز تحقیقات کنگره امریکا درباره تحریم‌های ایران و سایت وزارت خزانهداری امریکا) تکمیل شده است.
۳. این موارد با استفاده از تحقیق میدانی و پرسش پاسخ باز از نخبگان و کارشناسان اقتصاد تحریم در ایران (اساتید اقتصاد) استخراج و با طوفان مغزی جمع‌بندی و دسته‌بندی پیشین به دست آمده است.
۴. البته در آخرین برنامه توسعه قبل از انقلاب نیز از راهبرد جایگزینی واردات استفاده شده بود و به صورت صریح در برنامه توسعه مربوط اعلام شد. اما بعد از انقلاب به دلیل اینکه روابط بین‌المللی ایران حتی در منطقه زیاد نبود و تحریم‌های تجاری آغاز شده بود، امکان استفاده از راهبردهای دیگر مانند توسعه صادرات نبود. بنابراین بهترین راهبرد برای توسعه در آن سال‌ها دنبال کردن راهبرد برنامه توسعه قبل از انقلاب بود.
۵. این موارد با استفاده از تحقیق میدانی و پرسش پاسخ باز از نخبگان و کارشناسان اقتصاد تحریم در ایران (اساتید اقتصاد) استخراج و با طوفان مغزی جمع‌بندی و دسته‌بندی پیشین به دست آمده است.
۶. سؤال این تحقیق برای ۳۰ تن از اساتید اقتصاد دانشگاه‌های اصفهان، امام صادق (ع) و تهران فرستاده شده است که در زمینه اقتصاد بین‌الملل و اقتصاد تحریم تخصص داشته‌اند و ۲۰ تن از آنها به سؤال این پژوهش پاسخ داده‌اند. مطالب ارائه‌شده در جلسه‌ای با حضور اساتید اقتصاد دانشگاه اصفهان و با طوفان مغزی جمع‌بندی و دسته‌بندی شده است.
۷. وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً (نساء، آیه ۱۴۱)
۸. هر جایی که مسئولین کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم می‌شود، در اقتصاد هم می‌شود. اقتصاد کشور، تولید کشور می‌تواند به وسیله همت مردم، با پول

مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفایی پیدا کند. سیاست‌های اصل ۴۴ را که ما تدوین کردیم، بر اساس همین نکته بود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم کرمانشاه ۹۰/۷/۲۰).

۹. پرسشنامه مربوطه دقیقاً مشابه جدول مقایسات زوجی در شکل شماره ۲ است که هر یک از اساتید بر اساس نظر شخصی بین هر دو گزینه بین ۱ تا ۹ برای مقایسه اهمیت موارد نمره‌ای داده‌اند. سپس میانگین مقایسه زوجی اساتید جدول شماره ۲ را تشکیل داده است.

۱۰. مقایسات زوجی بین راهکارها بر اساس هر یک عوامل به صورت مجزا شکل می‌گیرد. یعنی ۱۴ نگاره مقایسه زوجی توسط نخبگان پر شده و از داده‌های آن در نرم‌افزار استفاده شده است.

۱۱. البته گفتنی است حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در جای خود بسیار مهم است، اما از طریق عوامل طرح شده در این پژوهش نسبت به بقیه سیاست‌ها و راهکارها، به کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی کمک کمتری می‌کند. اما در صورتی که عوامل دیگری برای کاهش تأثیر تحریم‌های اقتصادی شناسایی شود، ممکن است رتبه‌ها تغییر کند.

منابع فارسی

اکبری، نعمت‌الله و مهدی کیوانی زاهدی (۱۳۸۷). **کاربرد مدل‌های برنامه‌ریزی در اقتصاد و مدیریت**، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۳). "اثرات تحریم‌های یکجانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی"، **فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۲۳.

بی‌نیاز، علی (۱۳۹۰). "تحولات اخیر خاورمیانه و تحریم‌های اقتصادی ایران"، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و پنجم، شماره ۳، صص ۱-۳۳.

حیدری مطلق، راضیه (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰)، "الزامات مدیریت واردات در کشور"، **مجله اقتصادی**، شماره ۲۱

عزیزنژاد، صمد و سیدمحمدرضا سید نورانی (۱۳۸۸)، "بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی"، **مجله مجلس و پژوهش**، شماره ۶۱، صص ۱۶۵-۲۱۰.

قدسی‌پور، سید حسن (۱۳۸۴). **فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP**، تهران: انتشارات دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیک)، چاپ چهارم، ص ۲۲۰.

وصالی، ساناز و مهرنوش ترابی (۱۳۸۹)، "اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی ایران"، **مجله بانک و اقتصاد**، شماره ۱۱۱، صص ۳۸-۴۴.

باوری، کاظم و رضا محسنی (۱۳۸۹)، "اثرات تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی"، **مجلس و پژوهش**، سال ۱۶، شماره ۶۱.

- Alexander, Kern (2009), *Economic Sanctions Law and Public Policy*, published in Palgrave Macmillan.
- Alikhani, Hossein (2000), *Sanctioning Iran, Anatomy of a Failed Policy*, published in I.B.Tauris & Co Ltd.
- Crawford, Neta C. and KlotzHow (1999), *How Sanctions Work; Lessons from South Africa*, Published in Palgrave Macmillan.
- Domke, Martin (1943), *Trading With The Enemy in World War II*, New York: Central Book Co.
- Domke, Martin (1943), *Trading with the Enemy in World War II*, New York: Central Book Co.
- Doxey, Margaret P. (1980), *Economic Sanctions and International Enforcement*, London: Basingstoke, Macmillan.
- Drury, A. Cooper (2005), *Economic Sanctions and Presidential Decisions: Models of Political Rationality*, London: Palgrave Macmillan.
- Eyler, Robert (2007), "*Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work*", Palgrave Macmillan.
- Fayazmanesh, Sasan (2008), *The United States and Iran; Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment*, Routledge.
- Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott and Barbara Oegg (2007), "*Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*", 3rd ed., Institute for International Economics, Washington DC.
- Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott, Barbara Oegg (2013), "*Economic Sanctions: New Directions for the 21st Century*", Peterson Institute for International Economics.
- Kaempfer, William and Anton Lowenberg (1986), A Model of The Political Economy of International Investment Sanctions: The Case of South Africa, *Kyklos* 39: 377° 96.

Klerman, Jacob Alex, Jane McClure Burstain (2008), "*Sanctions in the CalWORKs Program*", Prepared for the California Department of Social Services, Published by the RAND Corporation.

Malloy, Michael P. (2001), *United States Economic Sanctions: Theory and Practice, London*, Kluwer Law.

Medlicott, W. N. (1952), *The Economic Blockade*, Eminence Grise, 1918-1923

Michael Tonry Richard S. Frase (2001), "*Sentencing and Sanctions in Western Countries*", Oxford University Press.

Newnham, Randall (2002), "*Deutsche Mark Diplomacy, Positive Economic Sanctions In German-Russian Religious*", Published by The Pennsylvania State University Press, University Park, PA 16802-1003.

